یادداشت روز

از کربلای ۶۱ تا جنگ ۱۲ روزه و رمضان

تاریخ، تکرار مداومی است که انسان را در مسیر یک انتخاب قرار می‌دهد. اگر در سال ۶۱ هجری، صحرای کربلا به عنوان میعادگاه تمیز سره از ناسره و «حق» از «باطل» برای همیشه در تاریخ بشریت تثبیت شده است، امروز نیز جمهوری اسلامی به عنوان پرچمدار جریان حسینی، در پیچ تاریخی سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، در میانه همان میدان ایستاده است. وقایع این سال‌ها، تداوم همان «مواجهه راهبردی» است که در یوم‌الواقعه عاشورا کلید خورد. در این شباهت‌های تاریخی به این چند شاخص توجه کنید:

۱- منطق عاشورا در واقع الگوی بصیرت در گردونه فتنه‌هاست. عاشورا، تنها یک واقعه تاریخی در تقویم نیست؛ بلکه یک «منطق حکمرانی» و «سنت الهی» برای شناخت دشمن و جریان نفاق است. در سال ۶۱ هجری، دشمنان امام حسین(ع) نه تنها لشکر کفر آشکار، که منافقانی بودند که با نقاب «دین» و «شریعت»، بر «حجت خدا» شمشیر کشیدند. در دی‌ماه سال گذشته هم جمهوری اسلامی با جریانی روبه‌رو شد که با شعارهای فریبنده و با ابزار جنگ شناختی و رسانه‌ای، تلاش می‌کرد «حقیقت انقلاب و نظام اسلامی و بلکه فراتر از آن ایرانیت یک نظام سیاسی» را ذبح کند. مؤلفه اصلی عاشورا، «بصیرت» بود. چنان‌که امام شهید انقلاب بارها تأکید می‌کردند که در غبار فتنه‌ها، آنچه راه را نشان می‌دهد، شناخت «مرز دشمن» است. اتفاقات و جنگ‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، آزمونی بود که در آن دشمن با بهره‌گیری از پیاده نظام فرهنگی و فشارهای اقتصادی تحمیلی، سعی در دوقطبی‌سازی میان «مردم» و «حاکمیت» داشت. دقیقاً مشابه همان کاری که دستگاه تبلیغاتی بنی‌امیه با کوفیان کرد. آن‌ها با پروپاگاندا، فرزند رسول خدا را «خارجی» معرفی کردند تا وجدان جامعه را برای جنایت بزرگ عاشورا تخدیر کنند. آنچه در فتنه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ اتفاق افتاد و دست کمک به سوی دشمن خارجی دراز شد و زمینه آن جنایت بزرگ یعنی جنگ رمضان و شهادت رهبر حکیم و عظیم‌الشأن انقلاب و خیل عظیمی از فرماندهان نظامی، مردم و کودکان معصوم میناب شد، محصول همین جریان تبلیغاتی بنی‌امیه منشی بود که صورت می‌گرفت.

۲- پیوند «اقتدار دینی» و «استقامت انقلابی» از دیگر شاخصه عاشورای حسینی با انقلاب امام خمینی و امام خامنه‌ای شهید است. آنچه در عاشورا، عامل بقای جریان حسینی شد، «پایداری بر اصول» در سخت‌ترین شرایط بود. امام حسین(ع) در اوج غربت، «مصلحت» را فدای «حقیقت» نکرد. جمهوری اسلامی نیز در سال‌های اخیر، به ویژه در مواجهه با توطئه‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ و دو جنگی که در این دو سال رخ داد، دقیقاً از همین الگوی «استقامت فعال» تبعیت کرده است. دشمنان این نظام در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، به دنبال «قبض روح انقلاب» از طریق تضعیف مؤلفه‌های اقتدار کشور؛ همچون قدرت موشکی و گرفتن توان دفاعی و منطقه‌ای ایران بودند. این همان راهبردی است که یزیدیان برای «تسلیم کردن اباعبدالله‌الحسین(ع) در سال ۶۱ هجری» در ایجاد ترس و وحشت در امت رسول خدا برای همراهی با حسین بن علی(ع) پیش گرفتند. اما با نگاه عبرت آموز به حوادث سال ۶۱ هجری، در جمهوری اسلامی ایستادگی نظام در برابر هجمه‌ها، ریشه در درک عمیق این حقیقت دارد که عقب‌نشینی در برابر باطل، نه تنها صلحی به ارمغان نخواهد آورد، بلکه جسارت دشمن را برای ضربه نهائی چند برابر می‌کند. اینکه امروز جریان دلسوز نظام و مردم کف خیابان- نه افرادی که با هیاهوهای سیاسی و توهین به مسئولین نظام می‌خواهند سخنان خود را حق جلوه دهند- نسبت به اتفاقاتی که در تفاهم‌نامه بین ایران و آمریکا و نقض اولین بند این تفاهم‌نامه یعنی توقف حملات به جنوب لبنان و بازگشت رژیم صهیونیستی به مرزهای قانونی، واکنش نشان می‌دهند، در واقع درسی است که از عاشورا و تسلیم ناپذیری در برابر دشمن گرفته شده است.

۳- نکته قابل تأمل دیگر در تحلیل وقایع عاشورا و فتنه کودتایی دی‌ماه و دو جنگ ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، شناسایی «بازیگران پشت‌صحنه» است. در عاشورا، کسانی بودند که ادعایی دینداری داشتند ولی در صف مقابل امام ایستادند. امروز نیز، جریان‌های داخلی که با غرب همنوا شده‌اند تا ارزش‌های دینی را در زیر چرخ‌دنده‌های مطالبات کاذب اجتماعی له کنند، دقیقاً همان مسیری را طی می‌کنند که جریان «خواص بی‌بصیرت» در کوفه طی کردند. در همین رابطه اظهارات سخنگوی دولت که دو روز پیش در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی با نقد از منتقدین تفاهم‌نامه ایران با آمریکا خواسته یا ناخواسته شعارهای مردم را درکف خیابان زیر سؤال می‌برد قابل تامل است. وی در این مصاحبه می‌گوید: «اداره کشور با شعار ممکن نیست؛ اگر مذاکره را نفی می‌کنند باید توضیح دهند برای حفظ منافع ملی و تثبیت دستاوردهای کشور چه برنامه‌ای دارند». این در حالی است که تاکید بر ۱۰ بند مورد تاکید رهبر حکیم انقلاب و از جمله شرط توقف حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و تفاهم‌نامه و مذاکره، با همین نگاه تثبیت دستاوردهای کشور در جنگ رمضان بوده است و هیچ‌گاه چنین تاکیدی جنبه شعاری نداشته است که بیش از ۱۱۰ روز حرکت مردم در کف خیابان صرفا شعار بدون دستاورد تلقی شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، با تدبیرحکیمانه و بدون افتادن در دام خشونت‌های کور مدنظر دشمن، توانست «فصل نفاق» را از «بدنه انقلابی» جامعه جدا کند. این یک پیروزی بزرگ بود؛ چرا که در فرهنگ عاشورایی، «شناخت دشمن» از خود «نبرد» مهم‌تر است. چرا که نظام توانست با روشنگری، تبیین کند که دشمن به دنبال «ایران قوی» نیست، بلکه به دنبال «ایران ویران شده» است، اگر به پیام‌های ترامپ در شبکه اجتماعی «سوشال تروث» که در پیام به ملت ایران در آستانه دو جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان مدعی شده بود دولتمردان ایرانی به دنبال ویرانی ایران هستند و او می‌خواهد مردم ایران را نجات دهد، توجه داشته باشیم در خواهیم یافت که این خط باطل توسط جریانی ضد انقلاب در خارج و بعضا با ادبیات دیگر در داخل که نسخه تسلیم در برابر ترامپ را می‌پیچیدند، دنبال می‌شد و این همان خطی بود که ۱۳۴۶ سال پیش توسط جریان باطل یزیدیان برای بازگشت به عصر جاهلیت دنبال می‌شد و حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در مقابل آن ایستادند و جان عزیز خود و ۷۲ یار وفادار خویش را فدا کردند تا آنجا که رنج اسارت نیز بر خاندان رسول خدا تحمیل شد.

۴- اکنون باید به این باور رسیده باشیم که نسبت امروز ما با عاشورا، یک نسبت وجودی است. عاشورا برای ما «پایان راه» یک اتفاق بزرگ نبوده و نیست، بلکه یک «نقشه راه» است. سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، بخشی از فرآیند «تکامل تاریخی انقلاب» به سمت تمدن نوین اسلامی است که امام شهیدمان در گام دوم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ این نقشه راه ۵۰ ساله نظام را ابلاغ کردند و حرکت به سمت قله را به عنوان یک مطالبه جدی از ما خواستند. هر فتنه‌ای که در این مسیر رخ می‌دهد، چه عوامل نفوذی صحنه‌گردان آن باشند یا دشمن بیرونی با راه‌اندازی جنگ‌های تحمیلی با حمایت عوامل داخلی خود به دنبال سد پیشرفت ایران عزیز باشد، در واقع «غربالگری» جدیدی است تا کسانی که در شعار «یا لیتنا کنا معک» صادق‌اند، از کسانی که فقط ظاهرسازی می‌کنند، جدا شوند. امروز اگر امام خامنه‌ای شهید نیست، امام خامنه‌ای جوان هست و باید ثابت کنیم برهمان عهدی که با اباعبدالله الحسین(ع) و امام شهید خود با شعار «یا لیتنا کنا معک» بسته‌ایم، وفاداریم. باید به این نکته ایمان داشت که امروز جمهوری اسلامی در جایگاه «خیمه‌گاه حق» قرار دارد. عاشورا به ما آموخت که اگر کسی در «خیمه امام» ایستاد، نباید از تهدید لشکر کفر هراسی به دل راه دهد. چرا که وقایع ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ و دو جنگ آن در فاصله کمتر از یک سال ثابت کرد که نظام، برخلاف تحلیل‌های سطحی دشمن و رسانه‌های معاند، نه تنها ضعیف نشده، بلکه به بلوغ جدیدی دست یافته است که حیرت و تعجب دوستان و دشمنان را برانگیخته است. چراکه این نظام، با تکیه بر «ایدئولوژی عاشورایی»، در برابر تمدن مادی‌گرای غرب، ایستاده و نشان داده است که «حق»، شکست‌ناپذیر است، حتی اگر در ظاهر و به صورت کوتاه‌مدت، همچون شرایط حاضر فشارهای طاقت‌فرسایی را متحمل شود.

۵- در پایان، این یادداشت را مزین به این کلام نورانی امام شهید خود درباره این فراز مهم «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا» می‌کنیم که فرمودند: «اینکه گفتند: «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا» به معنای این است که زمان می‌گذرد، اما حوادث جاری در زندگی بشر، حقایق آفرینش دست نخورده است. در هر دوره‌ای انسانها نقشی دارند که اگر آن نقش را به درستی، در لحظه مناسب، در زمان خود ایفا کنند، همه چیز به سامان خواهد رسید، ملّت‌ها رشد خواهند کرد، انسانیت گسترده خواهد شد». اکنون با این فراز از کلام گهر بار امام شهیدمان باید خود را در معرض ارزیابی قرار دهیم تا ببینیم در کجای فرهنگ عاشورایی حسین بن علی(ع) قرار داریم و آیا از نگاه ما همه روزها عاشورا و همه زمین‌ها کربلاست و به تکلیف خود به درستی عمل می‌کنیم یا خدای نکرده در وقت مقتضی پای دین و انقلاب نایستاده و عاشورای دیگری رقم می‌خورد.

حسن رشوند

لزوم پاسخ قاطعانه دستگاه دیپلماسی به اظهارات توهین‌آمیز مقامات آمریکایی

دستاوردهای «نقد» میدان را با وعده‌های «نسیه» بر باد ندهید!

سرویس سیاسی-

در حالی که اقتدار نقد میدان موازنه قدرت منطقه را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر داده است، لفاظی‌های توهین‌آمیز مقامات دغل‌باز آمریکایی و اصرار بر معامله با دارایی‌های ملت ایران در قالب وعده‌های نسیه، لزوم پاسخ صریح، انقلابی و قاطعانه دستگاه دیپلماسی را دوچندان کرده است.

هیئت مذاکره‌کننده «میناب ۱۶۸» جمهوری اسلامی ایران پس از ساعت‌ها مذاکرات فشرده در سوئیس، روز دوشنبه (۱ تیرماه ۱۴۰۵) زوریخ را به مقصد تهران ترک کرد؛ مذاکراتی که با محوریت اجرای تعهدات آمریکا در چارچوب «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» برگزار شد و در پایان آن، طرف‌های میانجی از دستیابی به پیشرفت‌هایی برای ادامه روند گفت‌وگوها خبر دادند! هیئت ایرانی عصر شنبه(۳۰ خرداد) وارد سوئیس شده بود و از صبح یکشنبه تا نیمه‌شب، نزدیک به ۱۸ ساعت گفت‌وگوهای فشرده دوجانبه، چندجانبه و یک نشست ۸۰ دقیقه‌ای چهارجانبه با حضور نمایندگان آمریکا، قطر و پاکستان را پشت سر گذاشت.

مطالبه اصلی ایران چه بود؟

براساس اعلام سخنگوی دستگاه سیاست خارجه، مهم‌ترین محور مذاکرات، پیگیری اجرای بند ۱۳ تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و فراهم‌سازی مقدمات لازم برای ورود به مرحله نهائی مذاکرات بوده است. در همین چارچوب، تهران بر لزوم پایان جنگ در همه جبهه‌ها به‌ویژه لبنان، رفع محاصره، بازگشایی مسیرهای دریایی، صدور معافیت‌های نفتی و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران تأکید کرده است.

بر اساس بند ۱۳ باید بندهای اوّل (خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان)، بند چهارم (رفع محاصره دریایی)، بند پنجم (آغاز بازگشایی تنگه هرمز)، بند دهم (صدور اسقاطیه‌های تحریم فروش نفت، پتروشیمی و مشتقات ایران) و بند یازدهم (آغاز آزادسازی اموال) اتفاق بیفتد تا مذاکرات بعدی برای توافق نهائی آغاز شود. بنابراین، اگر بند ۱۳ با اولویت ماده یک درباره لبنان اجرا نشود، ایران تعهدات خود را بازگشت‌پذیر می‌داند.

توقف نشست چهارجانبه پس از تهدید ترامپ

در جریان مذاکرات، انتشار اظهارات تهدیدآمیز از سوی رئیس‌جمهور آمریکا موجب شد هیئت ایرانی از ادامه نشست چهارجانبه خودداری کند. اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در این باره اعلام کرد: «در زمان نشست چهارجانبه اظهارنظر تهدیدآمیز آمریکا منتشر شد که باعث شد ایران اعلام بکند در چنین شرایطی حاضر به ادامه نشست چهارجانبه نیست. قطر و پاکستان تلاش کردند گفت‌وگوها ادامه پیدا کند و ما گفتیم به صورت چهارجانبه نخواهد بود.»

اما حواشی این لفاظی‌ها چه بود؟ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اخیراً در گفت‌وگویی با فاکس‌نیوز مدعی شد که واشنگتن در صورت نرسیدن به توافق با ایران، ممکن است تنگه هرمز را «در اختیار بگیرد» و حتی از نفت عبوری از این مسیر عوارض دریافت کند. او با ادبیاتی مضحک گفت: «اگر لازم باشد، ممکن است تنگه را در اختیار بگیریم و نقش فرشته نگهبان را بازی کنیم.»

اینجاست که باید یک رونوشت دقیق از ترجمه این لفاظی‌ها را روی میز دوستان دیپلمات گذاشت؛ ترجمه ساده و روشن رفتار دشمن این است که کاخ سفید که در میدان، از خلق هرگونه دستاورد راهبردی عاجز مانده و عمق زخم‌های کاری میدان، توان کتمانِ شکست را از او سلب کرده است؛ اکنون در پی آن است تا از مجرای دغل‌کاری و دبه کردن، شکست میدان را جبران کند. اما این تهدیدها دیگر اثر روانی سابق را ندارد. در همین چارچوب، محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به این فضاسازی‌ها و یاوه‌گویی‌های ترامپ گفت:«تهدیدهای آمریکایی‌ها را به جایی حساب نمی‌کنیم؛ آماده پاسخ هستیم. با خودشان فکر نمی‌کنند که اگر تهدیدهایشان نتیجه‌ای داشت، به استیصال امروز نمی‌رسیدند؟ بهتر است مراقب اظهارنظرهای خود باشند، نیروهای مسلح ما آماده‌اند تا به نحوی دیگر پاسخشان را بدهند.»

آن روی سکه دشمن به روایت ونس

از همان ابتدا نیز این پرسش جدی مطرح بود که چرا در اوج عهدشکنی‌ها و رفتارهای خصمانه طرف مقابل، تیم مذاکره‌کننده راهی مذاکرات شد. بسیاری معتقد بودند که چنین اقدامی می‌تواند این پیام نادرست را به طرف مقابل منتقل کند که ایران به هر قیمتی خواهان توافق است؛ برداشتی که طبیعتاً طرف مقابل را در طرح مطالبات زیاده‌خواهانه و غیرواقع‌بینانه جسورتر می‌کند. اکنون اظهارات اخیر جی‌دی ونس، معاون ترامپ قمارباز نشان می‌دهد که این نگرانی‌ها بی‌دلیل نبوده و گستاخی مقامات کاخ سفید به اوج رسیده است، تا جایی که این روزها کم‌کم دارند آن روی خود را به نمایش می‌گذارند!

ونس در یک نشست خبری در سوئیس با وقاحت تمام گفت: «دلیل اینکه اسرائیلی‌ها احساس می‌کنند باید در جنوب لبنان حضور داشته باشند، این است که نگران هستند نیروهای حزب‌الله به سمت این کشور شلیک کنند. ایران باید حزب‌الله را مهار کند و بر فعالیت‌های آن کنترل بیشتری اعمال کند.»

این جملات ونس، اوج رذالت و وارونه‌سازی واقعیت است. آمریکا در حالی از مهار حزب‌الله سخن می‌گوید که این رژیم صهیونیستی است که به عنوان سگ‌هار آن‌ها در منطقه، دست به نسل‌کشی و تجاوز می‌زند. مهار حزب‌الله یعنی خلع سلاح مقاومت در برابر متجاوز، خط قرمزی که کاخ سفید باید بداند خواب تعبیرنشدنی آن‌هاست.

شاهد عینی این مدعا، تکاپوی سراسیمه اسحاق هرتزوگ است؛ رئیس رژیم صهیونیستی با محکوم کردن انتقادات داخلی علیه توافق واشنگتن با تهران، التماس‌گونه اعلام کرد: «ترامپ شریکی قابل اعتماد برای اسرائیل است.» این اعتراف نشان می‌دهد لفاظی‌های سوئیس، اتاق عملیاتی برای نجات سگ‌هار منطقه از باتلاق میدان است.

ونس همچنین در اظهاراتی توهین‌آمیز، در دفاع از یاوه‌گویی‌های ترامپ گفت: «به ایرانی‌ها گفتیم که وقتی شما حرف‌های بیخود می‌زنید نمی‌توانید انتظار داشته باشید که رئیس‌جمهور آمریکا پاسخی ندهد.» او با این ادبیات چاله-میدانی تلویحاً این انتظار را مطرح کرده که ایرانی‌ها باید توهین‌ها و ادبیات تحقیرآمیز دونالد ترامپ را نیز تحمل کنند! وی حتی مدعی شد که ایران برخلاف ادعاهایش، مذاکرات را به دلیل اظهارات توهین‌آمیز ترامپ ترک نکرده و این تنها یک ادعای رسانه‌ای بوده است.

این ادعاهای سخیف، توهینی آشکار به شعور و عزت مردم ایران محسوب می‌شوند. سکوت در برابر چنین روایت‌سازی‌هایی می‌تواند به شکل‌گیری برداشت‌های غلط در افکار عمومی منجر شود و کام ملت را تلخ کند.

کلاهبرداری واشنگتن با فروش نسیه ذرت!

یکی از خطرناک‌ترین ابعاد این دور از تحرکات دیپلماتیک، برنامه طراحی‌شده آمریکا برای «نسیه‌فروشی» و کلاهبرداری اقتصادی است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، بامداد دوشنبه یکم تیر ۱۴۰۵ طی پیامی در شبکه ایکس نوشت:

«این میانجی‌گری خستگی‌ناپذیر پاکستان و قطر باعث پیشرفت‌های بزرگی برای پایان دادن به جنگ در لبنان شد. همچنین تحریم صادرات نفت و پتروشیمی تعلیق شد، محاصره دریایی برداشته شد، برخی از دارایی‌های مسدود شده، آزاد شدند و طرح بزرگ بازسازی و توسعه اقتصادی ایران اجرائی شد.»

اما این ادعا درباره معافیت‌های فروش نفت در حالی است که OFAC (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا) هیچ اطلاعیه‌ای در این خصوص صادر نکرده است. در واقع، وعده اسقاط تحریم‌های ایران تا این لحظه عملی نشده و هیچ اعلام رسمی در سایت وزارت خزانه‌داری آمریکا منتشر نشده است.

در مقابل، مقامات آمریکایی با صراحت از مدل «نسیه‌فروشی» و کالا در برابر دارایی سخن می‌گویند.

جی‌دی ونس مدعی شد:«جرد کوشنر با همکاری مقام‌های قطری طرحی را ارائه کرده است که بر اساس آن، در صورت آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران، ایالات متحده و قطر بر نحوه مصرف این منابع نظارت خواهند داشت و باید آن را تایید کنند. این منابع مالی برای خرید محصولات کشاورزی آمریکایی از جمله سویا، ذرت و گندم اختصاص خواهد یافت تا در اختیار مردم ایران قرار گیرد؛ تا کشاورزان آمریکایی ثروتمندتر شوند!»

آمریکایی‌ها می‌خواهند پول نقد و بلوکه‌شده ایران را که حق مسلم این ملت است، مسدود نگه دارند و در مقابل، ذرت و محصولات کشاورزی مازاد خود را به عنوان صدقه به ما بفروشند!

ماجرا به این‌جا ختم نمی‌شود؛ اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، تعلیق موقت و ۶۰ روزه را شرطی کرده و آن را منوط به باجدهی ایران و ورود بازرسان آژانس نموده است. اسکات بسنت اعلام کرد:

«تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ و معاون رئیس‌جمهور، ما همچنان به امن‌تر و مرفه‌تر کردن جهان ادامه می‌دهیم. در راستای مذاکرات سازنده جاری در سوئیس، ایران متعهد به ترانزیت آزاد و باز در تنگه هرمز و اجازه ورود بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورش شده است. به عنوان بخشی از این چارچوب، وزارت خزانه‌داری یک مجوز عمومی موقت ۶۰روزه صادر کرده است که به تولید، تحویل و فروش نفت ایران را مجاز می‌کند.»

این یعنی نقد دادن و نسیه گرفتن! ورود بازرسان جاسوس آژانس و باز کردن چتر اطلاعاتی روی خطوط قرمز کشور در ازای یک مجوز معلق ۶۰روزه برای فروش نفت، چیزی جز یک خسارت محض دیگر مثل برجام نیست. انتشار مقاله‌ای با عنوان «ایران جنگ را برد، اما ممکن است صلح را ببازد» در نشریه «فارن افرز» دقیقاً تاییدکننده همین ترفند است. این مقاله ترجمان تلاشی است برای اینکه زمین بازی را از میدان نبرد به میز مذاکره منتقل کند و دستاوردهای واقعی ملت را در پشت میزهای زوریخ دزدی کند.

اقتدار بی‌نظیر میدان

علاوه بر این، ارزیابی روندها و داده‌های میدانی نبرد اخیر، نشان‌دهنده یک چرخش پارادایمی در موازنه قدرت منطقه است. برخلاف رویکرد سانسور قطره‌چکانی دولت ترامپ، اعترافات زنجیره‌ای رسانه‌ها و نهادهای اطلاعاتی غرب، فراتر از یک شکست تاکتیکی، نشان‌دهنده «فروپاشی دکترین بازدارندگی آمریکا» در مواجهه با جمهوری اسلامی است. این خطای محاسباتی واشنگتن را می‌توان در سه سطح راهبردی واکاوی کرد: کتمان ابعاد واقعی خسارت‌ها توسط پنتاگون و اعلام رقم ناچیز ۲۹ میلیارد دلاری، تلاشی عبث برای مدیریت افکار عمومی داخلی آمریکا بود؛ اما ارزیابی کارشناسان در سی‌ان‌ان مبنی بر هزینه یک تریلیون دلاری، عمق ضربه اقتصادی وارد شده به بدنه واشنگتن را برملا کرد. واکنش عصبی ترامپ در تروث‌سوشال و «خائن» خواندن رسانه‌های فاش‌کننده توان ایران، نشان از یک آشفتگی استراتژیک در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری کاخ سفید دارد.

در حوزه سخت‌افزاری، فرستادن ماشین جنگی آمریکا به این معرکه، به بهای سنگین نابودی هیمنه فناوری نظامی غرب تمام شد. وقتی نشریه دفاعی «وار زون» از انهدام ۳۹ فروند هواپیما و آسیب به ۱۰ فروند دیگر پرده برمی‌دارد و سرنگونی نمادهای پرهزینه‌ای چون جنگنده نسل پنجم F35 و هواپیمای راداری ۳ Boeing E- Sentry را تایید می‌کند، به معنای بی‌اثر شدن پیوست پدافندی آمریکا در برابر شبکه یکپارچه مقاومت است.

بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، اصابت دقیق موشک‌ها و پهپادهای ایران به حداقل ۲۲۸ سازه استراتژیک و فلج شدن ۱۶ پایگاه اصلی آمریکا در ۸ کشور، نشان داد که پایگاه‌های فرامنطقه‌ای واشنگتن، دیگر نه نقطه‌ای برای «تولید قدرت»، بلکه «سیبل‌هایی آسیب‌پذیر» هستند. کارشناسان غرب به درستی تحلیل کرده‌اند که پنتاگون عمق اشراف اطلاعاتی ایران روی زیرساخت‌های ثابت خود را به شدت دست‌کم گرفته بود.

بزنگاه این تحلیل، اعتراف محرمانه نهادهای اطلاعاتی آمریکا در نیویورک‌تایمز است. رژیم آمریکا در حالی بخش اعظم ذخایر استراتژیک و حیاتی خود (نظیر تاماهاوک و پاتریوت) را بلعیده و مصرف کرده است که ایران با حفظ عملیاتی ۹۰ درصد شهرهای موشکی زیرزمینی و ۷۰ درصد پرتابگرهای متحرک خود، دست برتر را در تنگه هرمز دارد. این واقعیت عریان، اثبات پایداری استراتژی «ضربه دوم» ایران و پایانی قطعی بر دوران هژمونی نظامی آمریکا در غرب آسیاست.

دستاوردهای نقد میدان را فدای ذرت و سویا نکنید!

حال سؤال اصلی از دستگاه دیپلماسی و دولت محترم این است وقتی در میدان نبرد، هیمنه آمریکا این‌گونه به خاک مالیده شده، پایگاه‌هایشان فلج گشته و اعتراف به خسارت تریلیون دلاری می‌کنند، چرا باید در عرصه دیپلماسی منفعلانه عمل کرد؟

دستاوردهای میدان ما افتخارآفرین، نقد، مقتدرانه و تاریخی است. موازنه قدرت به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده و آمریکا در موضع استیصال قرار دارد. در چنین شرایطی، حواسمان باشد که این دستاوردهای عظیم و خون‌آوردهای نقد میدان را با وعده‌های نسیه، دروغین و توهین‌آمیزی همچون معافیت‌های ۶۰ روزه، واردات ذرت و سویا، و شرط و شروط‌های خزانه‌داری آمریکا بر باد ندهیم. دیپلماسی باید زبان گویای اقتدار میدان باشد، نه ابزاری برای احیای آمریکای شکست‌خورده.

نماینده کنگره:

دولت ترامپ پاسخ‌های نامناسبی درباره مدرسه میناب می‌دهد

یک نماینده دموکرات آمریکا گفت ما برای دریافت پاسخ پرسش‌های خود درباره بمباران مدرسه میناب، تلاش مضاعف می‌کنیم.

«جیسون کرو»، نماینده دموکرات کلرادو در کنگره آمریکا اظهار کرد قانونگذاران آمریکایی تلاش مضاعفی را پیرامون پرسش‌های مطرح شده درباره حمله هوائی آمریکا و اسرائیل به دبستانی در میناب که در نخستین روز جنگ علیه ایران صورت گرفت، انجام می‌دهند.

کرو در مصاحبه با سی‌بی‌اس، دولت ترامپ را به ارائه پاسخ‌های نامناسب و با سرعت کم درباره جنایتی که در مدرسه شجره طیبه میناب رخ داد، متهم کرد.

وی افزود: این دولت هیچ مشکلی برای انتشار ویدئوهای حملات ندارد. این ویدئوهای حملات نظامی زمانی که آنها از ما بخواهند، منتشر می‌شود. آنها از ما چنین چیزی نخواستند. آنها در این باره کم کاری می‌کنند. واضح است که در آنجا چه اتفاقی افتاده است. بنابراین ما تلاش زیادی می‌کنیم تا به پاسخ پرسش‌های خود برسیم. ما این موضوع را دنبال می‌کنیم.

وی که یکی از بنیان گذاران ائتلاف دو حزبی حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه است، تصریح کرد که فرماندهی مرکزی آمریکا را برای پاسخگویی در این باره تحت فشار قرار داده است.

کرو با اشاره به جنگ‌های عراق و افغانستان گفت: آن جنگ‌ها به او تاثیرات مخرب و نه فقط اخلاقی را برای امنیت ملی ما زمانی که بی‌گناهان کشته می‌شوند، یاد داد.

وی اذعان کرد حمله به مدرسه میناب می‌تواند بزرگ‌ترین حادثه تلفاتی غیرنظامیان در تاریخ ارتش مدرن آمریکا باشد. ما به حقایق نیاز داریم. ما باید مطمئن شویم که به این موضوع می‌پردازیم و مسببان آن را پاسخگو می‌کنیم.

حمله ددمنشانه به این مدرسه، اعتراضات بسیاری از منتقدان اقدامات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران را برانگیخت، به طوری که بیش از ۱۰۰ کارشناس حقوقی بین‌المللی در آمریکا نامه سرگشاده‌ای را امضا کرده و در آن هشدار دادند که حملات آمریکا می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد.

این در حالی است که ترامپ در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در حاشیه اجلاس سران گروه هفت در فرانسه، در این باره که آیا او کسی را در دولتش مسئول این جنایت می‌داند گفت: نه!!! او افزود: اشتباهاتی رخ داده است. جنگ ناخوشایند و زشت است. اما می‌دانم این موضوع در حال بررسی است و من می‌توانم گزارش آن را فردا به شما بدهم. من از پیت هگست وزیر جنگ این پرسش را می‌پرسم.

این در حالی است که پیش‌تر، دونالد ترامپ، رئیس دولت تروریستی آمریکا مدعی شده بود حمله به مدرسه دخترانه میناب «توسط ایران» انجام شده است.

در حال حاضر سناتورهای آمریکایی با ارائه لایحه‌ای به قانون تایید بودجه سالانه دفاع ملی، سه چهارم بودجه سفرهای وزیر جنگ را تعلیق کردند تا کمیته‌های نیروهای مسلح در سنا و کنگره تحقیقات جامع و کاملی را درباره جنایت صورت گرفته در این مدرسه، دریافت کنند.

پیشتر یک منبع آگاه درباره این تحقیقات در گفت‌وگو با نیویورک تایمز گفته بود نیروهای آمریکایی از اطلاعات قدیمی آژانس اطلاعات دفاعی برای انجام حمله به پایگاه نظامی مستقر در نزدیکی این مدرسه، استفاده کرده‌اند. یافته‌های اولیه از این تحقیقات به آمریکا به عنوان مسئول این حمله اشاره می‌کند.

در جریان نخستین روز حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، دبستان شجره طیبه در میناب مورد اصابت قرار گرفت و بیش از ۱۷۰ دانش‌آموز و معلم بی‌گناه شهید شدند.

چندی قبل «آدام اسمیت»، عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا، دریاسالار «برد کوپر»، فرمانده سازمان تروریستی سنتکام را برای پاسخگویی در مورد حمله جنایتکارانه وحشیانه به مدرسه شجره طیبه میناب ایران تحت فشار قرار داد و از کوپر خواست تا مسئولیت آمریکا را در این حمله بپذیرد.

اسمیت گفت: واقعاً کاملاً مشخص است که چه اتفاقی در آنجا افتاده است.

کوپر از پذیرفتن مسئولیت خودداری کرد و مدعی شد: آمریکا عمداً غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهد.

اما پیت هگست وزیر جنگ دولت تروریست آمریکا به جنایت هولناک ارتش این کشور در تجاوز وحشیانه به مدرسه میناب اعتراف کرد.

وزیر جنگ آمریکا تنها به ابراز تاسف از این جنایت جنگی و ضد بشری بسنده و اعلام کرد حادثه مربوط به بمباران یک مدرسه در ایران «تأسف‌بار» بوده و تحقیقات درباره آن همچنان ادامه دارد.

به گزارش تسنیم، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در نشستی اضطراری ژنو، حمله به دبستان «شجره طیبه» در میناب را که به کشته شدن بیش از ۱۷۰ دانش‌آموز و معلم انجامید، به‌طور یکپارچه محکوم و خواستار تحقیقات فوری و پاسخگویی عاملان شد.

سازمان عفو بین‌الملل نیز ایالات متحده آمریکا را مسئول حمله مرگبار به مدرسه میناب در ایران اعلام کرد.

به جای گفت و شنود

از عصر عاشورا تا عصر امروز

در آستانه تاسوعا و عاشورای حسینی علیه‌السلام که تضمین تداوم اسلام ناب محمدی(ص) است و به قول حکیمانه امام راحلمان (رضوان‌الله تعالی‌علیه) اسلام را زنده نگه داشته است، این ستون را دیگر گونه می‌آوریم و به دو فراز از یادداشت‌هایی که در همین زمینه نوشته شده بود اختصاص می‌دهیم...

«وقتی به آن صحرای داغ و تب‌دار رسید، عنان کشید، و اسب هم از حرکت ایستاد و قدم از قدم برنداشت. این بخش از صحرا با بخش‌های دیگر آن که تاکنون پیموده بود، تفاوتی نداشت. همه جا پوشیده از ریگ‌های داغ و آفتاب خورده بود و آسمانی که از شدت گرما، رنگ دود گرفته بود. سوار، اما انگار چیز دیگری می‌دید که عنان می‌کشید! دست را سایبان چشم‌ها کرده و به افق نگریست. پیرمردی به کنار ایستاده بود. سوار روی به او کرد و پرسید؛ نام این سرزمین چیست؟ نام آن «غاضریّه» است. نام دیگری ندارد؟... این سرزمین را «نینوا» و «شاطی الفرات- شرق فراط» هم می‌نامند. همه آن نشانه‌ها که او می‌دید و دیگران نمی‌دیدند، نشانه‌های همان سرزمینی بود که به او خبر داده بودند... نامش اما، آن نبود. باز پرسید؛ نام دیگری ندارد؟ پیرمرد گفت: این سرزمین را «کربلا» هم می‌نامند. سوار آهی از ژرفای دل کشید و زیر لب زمزمه کرد: «أَرْضُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ... سرزمین اندوه و بلا»... همان صحرایی بود که نام آن را از جدش رسول خدا(ص) شنیده بود و پدرش امیر مؤمنان(ع) در میانه سفر صفین در آنجا درنگ کرده، خاکش را بوئیده و بوسیده و گریسته بود، «ای خاک! چقدر خوشبویی! از تو مردمانی برمی‌خیزند که بی‌حساب به بهشت می‌روند. اینجا قربانگاه عاشقان شهیدی است که هیچ‌یک از گذشتگان و آیندگان به مقام و منزلت آنها نمی‌رسند»... اینجا همان جا بود که به او وعده داده بودند... کاروان «خوش به نشان» آمده بود. اینجا همان جائیست که قرار است بزرگ‌ترین و سرنوشت‌سازترین واقعه تاریخ بشر، بعد از بعثت رسول خدا(ص) رقم بخورد. سرنوشت‌سازترین رخداد بعد از بعثت پیامبر اسلام که اولین بود و قبل از قیام قائم آل محمد(ارواحنا له الفداء) که سومین است. قافله‌سالار، فرمان فرود داد، بارها را بگشایید و خیمه‌ها را برپا کنید، حسین(ع) می‌دانست که مقصد همین جاست و آن واقعه عظیم که خبر داده بودند، قرار است در همین وادی واقع شود... چند روز بعد از آن روز بود (عاشورای سال ۶۱ هجری) که آن واقعه بزرگ اتفاق افتاد و...».

بخشی از بیانات امام شهیدمان است که می‌فرمودند «لُب و جوهر حادثه عاشورا این است که در دنیایی که همه جای آن را ظلمت و فساد و ستم گرفته بود، حسین بن علی(ع) برای نجات اسلام قیام کرد و در این دنیای بزرگ، هیچ کس به او کمک نکرد! حتی دوستان آن بزرگوار، یعنی کسانی که هر یک می‌توانستند جمعیتی را به این میدان و به مبارزه با یزید بکشانند، هرکدام با عذری، از میدان خارج شدند وگریختند!...ابن‌عباس یک‌طور، عبدالله‌بن جعفر یک‌طور، عبدالله‌بن زبیر یک‌طور، بزرگان باقیمانده از صحابه و تابعین یک‌طور... شخصیت‌های معروف و نام و نشاندار و کسانی که می‌توانستند تاثیری بگذارند و میدان مبارزه را گرم کنند، هر کدام یک‌طور از میدان خارج شدند. این، در حالی بود که هنگام حرف زدن، همه از دفاع از اسلام می‌گفتند. اما وقتی نوبت عمل رسید و دیدند که دستگاه یزید، دستگاه خشنی است رحم نمی‌کند و تصمیم بر شدت عمل دارد، هرکدام از گوشه‌ای فرار کردند و امام حسین(ع) را در صحنه تنها گذاشتند. حتی برای اینکه کار خودشان را توجیه کنند، خدمت حسین‌بن علی(ع) آمدند و به آن بزرگوار اصرار کردند که «آقا، شما هم قیام نکنید! به جنگ با یزید نروید»... چرا این‌گونه شد»؟!

و اما «هزار و چند صد سال بعد، مردم ایران با الگو گرفتن از عاشورا و با دست خالی، علیه حکومت تا دندان مسلح و تحت حمایت تمامی قدرت‌های ریز و درشت دنیا به پا خاستند، بساط ظلم را برانداختند و پس از آن تا به امروز در مقابل توطئه یکپارچه همه قدرت‌های جهانی ایستاده و قد برافراشته‌اند... و این روزها، حماسه‌آفرینی مردم این مرز و بوم در جنگ ۱۲روزه، توطئه دی‌ماه و جنگ رمضان... ادامه سرنوشت‌ساز و حیات‌آفرین همان عاشوراست...»

نکته

برادرانه با تیم مذاکره کننده کشورمان

۱- ابتدا به اظهارات دو تن از مقامات بلندپایه آمریکایی که دیروز و بعد از مذاکرات ژنو بر زبان و قلم آورده‌اند توجه کنید؛

*** «جی‌دی ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا در یک کنفرانس خبری می‌گوید: «ایران موافقت کرده است که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به کشور بازگرداند. بازرسان هسته‌ای احتمالاً این هفته کار خود را آغاز خواهند کرد»!**

*** «اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید: «در راستای مذاکرات سازنده جاری در سوئیس، ایران متعهد به ترانزیت آزاد در تنگه هرمز و اجازه ورود بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورش شده است»! و البته در ادامه می‌گوید: «در ازای ورود بازرسان آژانس، تحریم نفتی ایران موقتا لغو شده است».**

۲- حالا فقط به چند نمونه از اخبار و اسنادی که به انگیزه و اهداف دشمن از ورود بازرسان آژانس و بازرسی‌های آنها اشاره می‌کند نیز نگاهی بیندازید!

*** «آنتونی بلینکن »، وزیر خارجه دولت جو بایدن سه هفته بعد از جنگ رمضان در مصاحبه‌ای می‌گوید: «تصمیم ترامپ برای خروج از برجام اشتباه بزرگی بود» و تاکید می‌کند که: «اگر ترامپ از برجام خارج نشده بود، اکنون آدرس و مشخصات اهداف نظامی بیشتری از ایران را برای بمباران در اختیار داشتیم»!**

*** سال ۲۰۱۲، «جی کارنی» سخنگوی وقت کاخ سفید در جریان یک کنفرانس خبری گفت: «ما چشم داریم و می‌توانیم برنامه ایران را زیر نظر بگیریم.» و هنگامی که از او می‌پرسند؛ منظور شما از این «چشم‌ها» چیست؟ می‌گوید: «بازرسان آژانس، آنها اطلاعات مربوط به مراکز هسته‌ای و نظامی ایران را در اختیار ما قرار می‌دهند»!**

*** «جاشوا رونر» استاد دانشگاه و نویسنده وابسته به اندیشکده بروکینگز می‌گوید: «حضور بازرسان آژانس در ایران فرصتی طلایی برای کسب اطلاعات از دیگر حوزه‌های علمی و صنعتی ایران نیز هست»!**

*** «اسکات ریتر» بازرس سابق سازمان ملل و تحلیلگر امنیتی آمریکایی، پس از جنگ ۱۲ روزه در مصاحبه‌ای با «پرس تی‌وی» صراحتاً گروسی را مسئول خون شهدای هسته‌ای ایران دانسته و تاکید می‌کند: «اطلاعات حساس فنی و مکانی که از طریق بازرسی‌های آژانس به‌دست آمد، مستقیماً در عملیات ترور نخبگان ایرانی مورد استفاده قرار گرفت»!**

و ...

۳- روز بیستم خردادماه امسال، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای را با ۲۱ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع علیه کشورمان به تصویب رساند. در این قطعنامه که از سوی آمریکا و سه کشور اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه شده و به تصویب رسیده است، از ایران خواسته‌اند تا به بازرسان آژانس اجازه دسترسی کامل به اطلاعات مربوط به مراکز هسته‌ای و ذخایر اورانیوم داده شود! این درخواست آژانس در حالی است که؛

آمریکا و رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان تعدادی از مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کرده و شماری از دانشمندان هسته‌ای کشورمان را به شهادت رسانده‌اند و ترامپ در جریان جنگ اخیر بارها اعلام کرده است که درپی حمله به مراکز هسته‌ای ایران است و رژیم صهیونیستی انکار نمی‌کند که شناسائی و ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان را در دستور کار داشته و دارد!

۴- اکنون این پرسش از تیم محترم مذاکره‌کننده کشورمان در میان است که آیا اظهارات جی‌دی ونس، معاون ترامپ و اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره اجازه ورود بازرسان آژانس و گشایش تنگه هرمز را تایید می‌فرمائید؟! اگر پاسختان منفی است و اظهارنظر آنها را غیرواقعی می‌دانید، چرا در مقابل آن سکوت کرده و تکذیب نمی‌کنید؟! و اما، اگر اظهارات آنها صحت دارد که باید پرسید مگر از انگیزه آنها برای ورود بازرسان آژانس و کسب اطلاعات از مراکز حساس اتمی و نظامی کشورمان خبر ندارید؟! به یقین می‌دانید که گشایش تنگه هرمز به منزله خلع سلاح ایران اسلامی در مقابل حمله دشمنان است؟! و اما، بدیهی است که دست‌اندرکاران محترم تیم کشورمان اولاً از اخبار و گزارش‌هائی که از سوی مقامات رسمی و بلندپایه آمریکایی منتشر می‌شود باخبرند و ثانیاً از تعارض و تقابل آنچه دشمن ادعا می‌کند با خطوط قرمز رسماً اعلام شده ایران اسلامی بی‌خبر نیستند. از این روی انتظار آن است که اگر ادعای دشمن را غیرواقعی می‌دانند، چرا بی‌درنگ آن را تکذیب نمی‌کنند؟! و چنانچه -خدای نخواسته- ادعای آنها واقعیت دارد، باید در مسیر حرکت خود دقت بیشتری به خرج داده و تجدید نظر بفرمایند. با عرض پوزش.

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* اراده قاطع ما در حمله به اهداف و منافع آمریکایی- صهیونی در منطقه، دشمن را در جنگ رمضان عقب راند و اکنون نباید اجازه داد دشمن شکست خورده و عقب‌زده شده با سست‌کردن اراده ما در پناه یک تفاهم‌نامه نقض‌شده پیشروی کند.
عمرانی

* شورای روابط خارجی آمریکا اعتراف کرد جنگ آمریکا با ایران با توافقی پایان یافت که به ایران امکان لغو تحریم‌ها، بودجه بازسازی و امکان دریافت عوارض از حساس‌ترین آبراه جهان را می‌دهد. کاخ سفید ممکن است آن را یک پیروزی بنامد. اما هزینه‌ها خلاف این را نشان می‌دهند.
ذبیح‌اللهی

* با عنایت به ویژگی‌ها و جنایت‌های آمریکا در طول تاریخ، میان ما و آنها اقیانوسی از خون، نفرت و کینه وجود دارد که خیلی بعید است با چند کلمه روی کاغذ رفع و رجوع شود! مسئولان امر بسیار مراقب باشند.
حمیدی

* جنگ ۴۰ روزه رمضان، از هر حیث یک شکست فاحش برای ترامپ و برای آمریکا بود؛ تقابلی که فارن پالیسی آن را شکستی بزرگ‌تر از ویتنام برای ایالات متحده خوانده است.
بهرامی

* دیپلماسی و مذاکرات، یکی از برگ‌های برنده کشور هستند. لو دادنِ جزئیات در تریبون عمومی، دستِ تیم مذاکره‌کننده را جلویِ دشمن خالی کردن است که با منطقِ سازگار نیست.
قدیری

* تیم مذاکره‌کننده باید بر خروج بی‌قید و شرط رژیم صهیونی از خاک لبنان تصریح نماید. و اگر این امر محقق نشود مردم مظلوم جنوب لبنان آرامش نخواهند داشت و ما نیز پاسخی برای مردم مظلوم شیعه جنوب در پیشگاه حضرت حق نخواهیم داشت.
کمالی

* با انتشار خبر توافق، بخشی از نگرانی‌ها در حوزه اقتصاد و بازار کاهش یافت و سرمایه‌ها بار دیگر به سمت سهام حرکت کردند. رشد همزمان نمادهای بانکی، خودرویی، پالایشی، پتروشیمی و فلزی نشان دادکه معامله‌گران نسبت به بهبود چشم‌انداز اقتصادی و افزایش فعالیت‌های تجاری امیدوار شده‌اند. در مقابل، بورس تل‌آویو واکنشی متفاوت از خود نشان داد و شاهد افت قیمت سهام بانک‌ها، شرکت‌های مالی و به‌ویژه صنایع نظامی رژیم بودیم.
قاسمی

* یکی از مهم‌ترین شکست‌های راهبردی آمریکا و رژیم صهیونی، ناکامی در شکستن پیوند میان جبهه‌های مقاومت بود. واشنگتن تلاش داشت پرونده ایران را از لبنان، غزه و سایر تحولات منطقه جدا کند و هر میدان را به‌صورت مستقل مدیریت نماید، اما تحولات میدانی ثابت کرد امنیت و معادلات منطقه به یکدیگر گره خورده است.
عطوفی

* واکنش خشم‌آلود رسانه‌ها و تحلیلگران صهیونیست از آنجا ناشی می‌شود که به‌خوبی دریافته‌اند جنگی که قرار بود موازنه منطقه را به سود تل‌آویو و واشنگتن تغییر دهد، در نهایت به توافقی منجر شده که خطوط قرمز ایران را حفظ کرده است. به همین دلیل، توافق اخیر را می‌توان نتیجه مقاومت، ایستادگی و حفظ اهرم‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در میدان و دیپلماسی ارزیابی کرد.
حیدری‌فرد

* الکسی پوشکوف عضو کمیته قانون اساسی شورای فدراسیون روسیه با انتقاد شدید از جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، این اقدام را یکی از بی‌معنی‌ترین و احمقانه‌ترین جنگ‌های تاریخ آمریکا توصیف کرد و گفت هیچ‌یک از اهداف اعلامی واشنگتن در این درگیری محقق نشده است.
عربلو

* جنگ تحمیلی سوم به واسطه ایستادگی گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان موجب بی‌اعتبار شدن آمریکا و تقویت روند افول رژیم صهیونی شده به طوری که هر جا آمریکا و رژیم صهیونیستی با مقاومت درگیر شدند، آبرویی برایشان باقی نمانده است.
افخم

* جنگ ۱۰۴روزه حزب‌الله در حمایت از ایران و ایستادگی ایران در حمایت از لبنان را باید نشانه هم‌افزایی میدان و دیپلماسی دانست. هر دو ایستادگی در قضیه لبنان ثابت کرد مردان میدان نبرد و دیپلماسی از جنس مقاومت هستند.
نقدلو

* باید توجه داشت تفاهم بین ایران و آمریکا برفرض هم که جواب بدهد و منجر به نتیجه بشود به معنای پایان دشمنی‌های شیطان بزرگ نیست، بلکه فرصتی برای تثبیت دستاوردها و تقویت توانمندی‌های کشور محسوب می‌شود.
بهاءالدینی

* روزنامه‌ها، مراکز مطالعاتی آمریکا و اسرائیل را که مورد به مورد مطالعه کنید تقریبا تمام مقالات و یادداشت‌هایی که درباره توافق ایران و آمریکا نوشته‌اند از شکست ترامپ و پیروزی ایران سخن گفته‌اند.
صحرایی

* کاربر آمریکایی درباره مادورو و نتانیاهو توئیت زده که؛ یکی این تناقض را برایم توضیح دهد! ما مادورو را براساس یک حکم بازداشت، دستگیر کردیم؛ اما نتانیاهو که در ۱۲۴ کشور تحت تعقیب است، شش بار به کاخ سفید دعوت شده است؟!
بصیرتی

* اگر برخی نمایندگان معتقدند توافق با منافع ملی سازگار نیست، چرا به جای فعال کردن ظرفیت‌های قانونی مجلس، نقش یک معترض بیرون از ساختار تصمیم‌گیری را بر عهده می‌گیرند و به جای استفاده از اختیارات قانونی، انرژی خود را صرف سخنرانی‌های هیجانی و فضاسازی‌های سیاسی در خیابان می‌کنند؟
مطیع‌نیا

* بنا به گزارش برخی خبرگزاری‌ها بین ۶۰ تا ۸۰ درصد نفت رژیم صهیونی از مسیر کشور آذربایجان تأمین می‌شود. بیش از ۵۰ درصد از نفت آذربایجان و بیش از ۲۰ درصد از نفت قزاقستان هم از خط لوله آذربایجان می‌گذرد. پس از آذربایجان باید خواست تا این مسیر را مسدود کند.
ماندنی

* آمریکا می‌خواهد دسترسی ایران به پول‌های مسدود شده‌اش را فقط به خرید «دارو و غذا» محدود کند تا ایران قادر نباشد توان نظامی خود را بازسازی کند! آیا تیم مذاکره‌کننده مراقب رفتار این شیطان بزرگ هستند؟
غلامی

* این روزها، تقریباً هر جلسه و دیداری که دکتر پزشکیان در آن حضور پیدا می‌کنند، با فهرستی بلند از مشکلات کشور از زبان ایشان آغاز می‌شود. بنویسید مردم ایران به‌خوبی از وضعیت معیشتی و دشواری‌های روزمره آگاه هستند. آنچه مردم از رئیس‌جمهور خود انتظار دارند، «نسخه» است، نه بیان درد.
بیگدلو

* بحث‌های یکطرفه در صدا و سیما مانند سخنان آقای نبویان در خصوص موضوعات مهمی چون تفاهم، بر خلاف مصلحت کشور است. دقیقاً این حرف‌ها هر کدام پاسخ دارد و از همه مهم‌تر اختلاف و انشقاق اجتماعی را به اوج می‌رساند.
استوار

* آمریکا، اگر با جنگ به هدفش می‌رسید، پس چرا مذاکره را گدایی می‌کند؟ و اگر مذاکره هدفش را تامین می‌کرد، پس چرا در اثنایِ مذاکره، جنگ مجدد به راه می‌اندازد؟ این حرکت دشمن همه از سر گیجی و ناتوانی اوست.
لنجی